

بررسی کرامت زن در افغانستان

غلام سرور اخلاقی*

چکیده

نوشتار حاضر، تحت عنوان «بررسی کرامت زن در افغانستان» تنظیم گردیده است. هدف این پژوهش، تبیین چالش‌ها و راه‌کارها راجع به کرامت زنان جامعه افغانستان است. نویسنده در روند تحقیق، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده و با استناد به متون دینی، وضع موجود جامعه زنان افغانستان را مورد بررسی قرار داده است. از یافته‌های مهم این تحقیق، این است که اگر مردم افغانستان به سفارشات دین مبین اسلام نسبت به زنان، که نیمی از پیکره جامعه افغانستان‌اند، جامعه عمل بپوشند و زنان از جایگاه حقیقی خود برخوردار شوند، نه تنها عزت و کرامت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی تأمین خواهد شد؛ بلکه کرامت کل جامعه ما را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کرامت، تبعیض، تساوی، خشونت، آزادی، مردسالاری.

مقدمه

خداوند متعال نظام آفرینش را برای بندگان خود خلق نموده تا در گستره آن، به کمال و

* نویسنده و پژوهشگر.

سعادت خود دست یافته و قرب الی الله را فراروی خود قرار دهند. در خدمت قرارگرفتن جهان آفرینش برای انسان در واقع کرامت بخشیدن انسان از ناحیه خداوند است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا/۷۰). همه بشر - اعم از مرد و زن - در این عطیه الهی مشترک هستند و هیچ امتیازی در این زمینه بین آنها وجود ندارد؛ مگر با تقوی الهی: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). اختصاص دادن برتری برای عده و جنس خاصی، برخلاف اسلام است؛ ولی انسان با نادیده گرفتن کرامت زن در طول تاریخ و در تمدن‌های مختلف، ظلم فراوانی را به این قشر عظیم جامعه روا داشته است. مردم افغانستان با آن‌که یک جامعه مسلمان‌اند، از این امر مستثنا نبوده و متأسفانه در طول تاریخ این کشور، نسبت به زنان رفتار تبعیض آمیز روا داشته شده و کرامت زن مورد غفلت نظام‌های سیاسی و جامعه افغانستان قرار گرفته است!

با توجه به آنچه گفته شد، بررسی اجمالی وضعیت موجود زنان افغانستان، ضرور به نظر می‌رسد؛ لذا پژوهش حاضر، در همین راستا تنظیم گردیده است. ساختار کلی مقاله از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول به فقدان کرامت زن در تاریخ و احیای آن توسط دین اسلام اختصاص یافته، قسمت دوم چالش‌های موجود راجع به کرامت زنان افغانستان را مورد بررسی قرار داده و در قسمت سوم، به ارائه راه‌کارها نسبت به احیاء و حفظ کرامت این قشر عظیم، اختصاص داده شده است.

۱. تعریف کرامت

کرامت عبارت است از داشتن صفات پسندیده، بزرگواری، شرافت، احترام، عزت، بزرگداشت (انوری، ۱۳۸۱: ۵۷۷۵)، بزرگی، بزرگ‌ورزیدن (معین، ۱۳۸۲: ۲۹۲۹) و همچنین سرفرازی و ارجمندی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۳۶: ۴۱۰). پاک‌بودن از آلودگی‌ها، غیرت، شرف و کمال مخصوص آن موجودی که کرامت به او نسبت داده می‌شود، نیز معنا شده است (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹). انسان دو نوع کرامت دارد: یکی کرامت ذاتی؛ به این معنا که انسان از آن‌جایی که بنده خدا است و روح الهی در او دمیده شده است، ذاتاً کرامت دارد: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجرات/۲۹)؛ از روح خود در آن دمیدم. یکی دیگر کرامت اکتسابی؛

به این معنا که انسان به واسطه تلاش خودش برای رسیدن به قرب الی الله از طریق تزکیه، عبادت و تحصیل معرفت، کرامت، شرف و حیثیت پیدا می کند.

۲. بررسی کرامت زن در تاریخ

قبل از بررسی وضعیت کرامت زن در افغانستان، لازم است مروری مختصر بر مظلومیت زن و حذف کرامت آنان در تاریخ و تمدن های مختلف گردد. زنان در طول قرون و اعصار متمادی، رنج ها و ستم های فراوانی دیده اند. بیش ترین ظلمی که به زنان وارد شده، ناشی از جهالت و برداشت منفی از زن و اشتباه قانون گذاران بوده است. علت اشتباه قانون گذاران در وضع قانون ظالمانه علیه نیمی از پیکره جامعه، آن بوده که آن ها خود را بی نیاز از مکتب وحی می دانستند و بر دانش ناقص بشری تکیه می کردند و سعادت بشر را با تراوشات ذهنی ناقص خود مهیا می ساختند. البته در این میان، سودجویانی نیز وجود داشته اند که با استفاده از فرصت برای رسیدن به مقاصد ناپاک شان، دست به تحریف دستورها و پیام های الهی نیز می زدند.

«متسکیو» در کتاب روح القوانین می نویسد: «دادگاه های ژاپن برای کیفر دادن زنان جنایت کار و خاطی، آن ها را برهنه در میدان های عمومی به معرض تماشای مردم می گذاشته، وادارشان می کردند که مانند چهارپایان راه بروند» (متسکیو، ۱۳۹۳: ۳۵۰).

در دوره ساسانی در ایران، زن در سلسله مراتب خانوادگی، تحت سرپرستی و قیمومیت رئیس خانواده به نام «کدخدا» بود. این کدخدا می توانست هرکسی باشد: پدر باشد یا شوهر و در صورت مرگ آن ها، جانشین ایشان رئیس خانواده و دارای اختیارات وسیعی بود که این اختیارات به ندرت محدود می شد و تمام هدایایی که گاه به زن داده می شد یا مالی را که زن با کار و تلاش خود به دست می آورد، همه متعلق به رئیس خانواده بود و زن از اموال خود نصیب نمی برد (الزمانی، ۱۳۷۳: ۴۰).

جالب این که در دوره ساسانی، گاهی از دواج استقراضی صورت می گرفت؛ بدین معنا که

یک زن شوهردار مدتی با مرد دیگری زندگی می‌کرد. در ازدواج استقراضی، از لحاظ قانون آن زمان، تنها رضایت شوهر اول زن لازم بود که همسر خود را برای مدتی به مرد دیگری قرض بدهد. در این معامله، زن هیچ اختیاری به رد چنین تعهدی نداشت؛ فقط مانند کالایی بود که می‌توانست در اختیار هرکسی باشد (الزمانی، ۱۳۷۳: ۲۳۳).

در میان عرب قبل از اسلام، زن مورد احترام نبود. زن را موجود بسیار حقیر و وسیله‌ای برای ازدیاد نسل می‌دانستند. عرب قبل از اسلام به دختردارشدن علاقه‌مند نبود و این عدم علاقه‌مندی بین مردها زیادت‌ر وجود داشت. عرب جاهلیت دختران خویش را زنده به گور می‌کردند تا از ننگ دخترداربودن بری شوند. آن‌ها زنده به گورکردن دختران‌شان را مایه افتخار و غرور خود می‌پنداشتند و به‌حدی جاهل بودند که وقتی به آن‌ها اطلاع می‌دادند که صاحب دختر شده‌اند، از شدت خشم، رنگ چهره‌شان برمی‌گشت. قرآن عظیم‌الشان نیز در این زمینه می‌فرماید: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أُمُّ يُمُسِّكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»؛ و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره‌اش سیاه می‌گردد؛ در حالی که خشم و اندوه خود را فرو می‌خورد. از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیله خود روی می‌پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند! (نحل/۵۸).

در هند قدیم، زنان از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردار نبودند. به اعتقاد هندوان قدیم، زن موجود دوست‌داشتنی؛ ولی پست به‌شمار می‌رفت. افسانه‌های هندو، خود زمینه بدبختی زنان را رقم زده بودند و خرافاتی که ریشه در اعتقاد دینی هندوها پیدا کرده بود، به حقارت زنان می‌افزود. افسانه‌ای در هندوستان قدیم وجود داشت که می‌گفت: در آغاز هنگامی که «تواش تری-Twash tri»، صنعت‌گر الهی، به آفرینش زن پرداخت، متوجه شد که همه مواد را صرف کرده و دیگر از عناصر صلب در اختیارش نمانده است و چون به این بن‌بست رسید، زن را از قطعات متفرقه و بازمانده‌های عالم خلق نمود. هندوها مطابق یک چنین اندیشه‌ای با زن رفتار می‌کردند. به‌نظر آن‌ها، زن یعنی موجود اضافی و زاید در نظام خلقت بودند.

در روم، مرد، حاکم مطلق و بی‌چون و چرای زن و خانواده خویش بود. مرد اختیار مرگ و زندگی زن خود را در دست داشت؛ بدین معنا که اگر زن مرتکب جنایتی می‌شد، شوهرش می‌توانست او را اعدام کند. «کاتن»، یکی از رومیان قدیم، می‌گوید: «شوهر بر زن خود حاکم است و اختیارش را حدی نیست. هرچه بخواهد، می‌تواند. اگر از زن خطایی سر بزند، او را جزا می‌دهد. اگر شراب بیاشامد، محکومش می‌کند و اگر بی‌ناموسی کند، او را می‌کشد.» (آلبر ماله وژول ایزاک، ۱۳۳۲: ۱۰۳)؛ بنابراین، زن در روم همانند کنیزی بود که هیچ قدر و منزلتی در اجتماع نداشت. به اعتقاد رومیان، زن موجود نابالغ و رشدنیافته بود.

در حقوق روم قدیم، زن‌ها با حوادث گوناگونی مواجه بودند؛ به‌نحوی که اگر زن متهم به جرم می‌شد، شوهرش حق دادرسی و مجازات او را داشت و نیاز به مراجعه به محکمه نبود. شوهرش می‌توانست زن خود را به مرگ محکوم کند. این امر در عرف و قانون آن زمان وجود داشت. شوهر اختیار تمام امور همسر و فرزندان خود را داشت. او می‌توانست فرزندان خود را بفروشد یا به قتل برساند. هیچ مرجع قانونی این کار پدر را ممنوع و خلاف قانون نمی‌دانست. ازدواج فرزندان بدون رضایت پدرش امکان نداشت (همان: ۹۱).

در یونان، در جامعه آتن، پدر خانواده اختیار مطلق بود. پدر حق داشت که فرزندان ضعیف خود را بکشد و در این بین، دختران را بیش از پسران می‌کشتند؛ زیرا آن‌ها نیاز به جهیزیه داشتند و بعد از ازدواج، از خدمت‌کاری خانه پدر آزاد می‌شدند و در خانه شوهرش خدمت می‌کردند. در آن زمان، این نوع از اطفال را در ظرف سفالین می‌گذاشتند و در نزدیک معبد یا در سر راهی که مردم زیاد عبور می‌کردند، رها می‌کردند؛ بدین منظور، هرکسی که می‌خواست، می‌توانست آن طفل را ببرد و در غیر آن، طفل از گرسنگی می‌مرد یا خوراک حیوانات درنده می‌شد (ویل دورانت، ج ۵: ۶۰).

۳. اسلام احیاگر کرامت زن

همان‌گونه که بیان شد، قبل از ظهور اسلام در تمدن‌های مختلف، جهل و تاریکی وجود داشت. اخلاق و معنویت در پایین‌ترین پله هستی خود تنزل یافته بود. زن‌ها هم‌چون

کالای بی‌ارزش برای هوا و هوس تبدیل شده بوند و در اوج مظلومیت به سر می‌بردند؛ مظلومیتی بالاتر از این که او را زنده به گور می‌کردند و از شنیدن تولد دختر خشم بر چهره مردان ظاهر می‌گشت؛ گویا مصیبت بزرگی محیط خانواده را در برگرفته است، یا در کنار همسران‌شان زنده زنده سوزانده می‌شدند، یا شوهران زن علی‌الاطلاق مجاز به کشتن آن‌ها بودند و یا به‌صورت استقراضی مانند کالای تجاری این دست و آن دست می‌شدند! زن در غایت مظلومیت، فریاد دادخواهی سر داده بود و در این آوان که اسلام از جزیره عرب سر برافراشت، به این ندای مظلومیت که نه تنها ندای زن؛ بلکه ندای انسانیت بود، لبیک گفت. در حقیقت کلام، اسلام بود که کمال انسانی زن را به رسمیت شناساند و او را از ورطه خواری و ذلت رهایی داد و بر قلعه رفیع عزت قرار داد. اسلام ذهنیت بشر را نسبت به زن، که به‌عنوان موجود زاید و بی‌ارزش مطرح بود، تغییر داد و نسبت به زن مانند مردان، به‌عنوان خلیفه الله و یک موجود باکرامت نگریست: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/ ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. در این آیه، کرامت به «بنی آدم» اختصاص داده شده که زن و مرد را شامل می‌شود. کرامت انسان از نظر اسلام از آنجایی که انسان بما هو انسان است، نیست؛ بلکه به‌خاطر این است که انسان خلیفه خدا و بنده او است (برخلاف مکتب اومانیسم) و رسیدن به قرب الی الله و خلیفه الله اختصاص به مردان ندارد.

اسلام امتیازخواهی مردان دوران جاهلیت را نسبت به زن مردود اعلان کرده و حقوقی مبتنی بر عدالت و مساوات، که در حقیقت بیانگر احیای شخصیت و کرامت زن است، بین زن و مرد قایل شد.

۴. بررسی کرامت زنان افغانستان

۴-۱. در گذشته افغانستان

با توجه به این که ۹۹٪ مردم افغانستان مسلمان‌اند؛ ولی گذشته این کشور بیانگر این مطلب است که توجه کافی نسبت به حقوق و کرامت زن، که نیمی از پیکره جامعه اسلامی ما است، نشده است؛ بلکه مانند زمان جاهلیت نسبت به زنان رفتار شده است. زن در این کشور از

همه حقوق سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود محروم بوده و آزادی‌های مشروع آنان محصور روحیهٔ مردسالاری جامعهٔ ما گردیده است. گرچه در مقاطع مختلف، شعار آزادی و حقوق زنان از طرف نظام‌های سیاسی سر داده شده؛ ولی متأسفانه این آزادی از نوع غربی یا نظام سوسیالیستی بوده که نه تنها منجر به آزادی واقعی زن نشده؛ بلکه در واقع زن را اسیر هوا و هوس مردان قرار داده و به عنوان شیء تفریحی و سرگرمی میادین رقص و پایکوبی تبدیل کرده بود! آزادی به این سبک در حقیقت تجددگرایی و تقلید از بیگانگان بود، نه آزادی که در شأن و کرامت زن جامعهٔ مسلمان افغانستان باشد.

در دورهٔ امان‌الله کارها و تصمیمات مفیدی راجع به جامعهٔ زنان افغانستان گرفته شد؛ مانند «تأسیس مکتب نسوان در کابل در سال ۱۳۰۰ شمسی به مدیریت سایره سلطان، ملقب به سراج‌البنات، خواهر شاه امان‌الله، تأسیس مکاتب دخترانه و ایجاد انجمن نسوان. کار نشر مجلهٔ «ارشاد النسوان» را مادر ملکه (اسمارسمیه) و روح‌افزا طرزی، دختر عموی ملکه، بدوش گرفتند. هم‌چنان یک مکتب تدبیر منزل برای زنان کابل در باغ علی‌مردان با معلمی عده‌ای از زنان آلمانی و ترکی تأسیس گردید. دیگر این که ملکه ثریا در سال ۱۹۲۴، یک شفاخانهٔ مخصوص خانم‌ها را نیز در کابل تأسیس نمود. هم‌چنین شاه بر مبنای برنامهٔ ریفورم‌های اجتماعی، تعدادی از دختران را برای فراگیری تحصیلات عالی در رشته‌های طبابت و غیره، به ترکیه فرستاد و نیز ملکه ثریا محکمه‌ای دایر نمود که شکایات زنان را در مقابل شوهران در مواردی؛ از قبیل ندادن نفقه و زدن آنان توسط شوهران‌شان و یا طلاق‌دادن بدون موجب، بررسی کند. یک هیأت مخفی واریسی زنان نیز ایجاد گردید که عکس‌العمل مردان را کنترل کنند و از زنان مسن خواستند که به خانه‌ها بروند و ببینند که رویهٔ مردان با زنان‌شان چگونه است».

مشکل امان‌الله در این حرکت این بود که او آزادی از نوع غربی را در جامعهٔ افغانستان می‌خواست پیاده کند. هیچ‌گونه توجهی به هنجارهای اجتماعی و شناخت از دستورات واقعی اسلام نسبت به زنان نداشت یا نمی‌خواست. امان‌الله، مصداق بارز آزادی زن را کشف حجاب می‌دید؛ لذا در زمان او، یکی از زنان در لویه جرگهٔ ۱۹۲۸ به پا خاست و چادر خود را از رخ

برداشت و آن را در پیش چشم اعضای لویه جرگه پاره نمود و آزادی زن افغان را اعلام نمود. در همین لویه جرگه، که زنان هم در آن شرکت ورزیده بودند، کبرا سراج، خواهر شاه امان الله، به نمایندگی از زنان افغانستان سخنرانی کرد. در روز سوم تشکیل جلسه، یک موضوع بسیار پراهمیت دیگر مطرح گردید و آن دادن آزادی برای زنان افغان بود. در این روز، لویه جرگه بعد از آن که حقوق زنان را با مردان مساوی اعلان کرد، ملکه ثریا از جا بلند شد و چادر نازک خود را که بر روی کشیده بود، از سر گرفت و همان جا پاره کرد. حاضرین با کف زدن های ممتد، این عمل او را تأیید کردند و زنان دیگر از ملکه ثریا پیروی نمودند و مردان روی زنان را برهنه دیدند.^۱ در ماه جولای، ملکه ثریا در مقاله ای در امان افغان ضرورت رفع حجاب را بیان کرد. متعاقب آن، شاه زنان مأمورین ارشد و معارف شهر را در قصر شاهی دعوت نموده با آنان از آزادی زنان در سایر کشورها صحبت نمود و در ضمن آن، اظهار داشت که اگر شوهران شان به آن ها آزادی نمی دهند، حق دارند ایشان را هدف گلوله قرار دهند و وی شخصاً سلاح لازم را برای اجرای این کار به ایشان خواهد داد (صدیق فرهنگ، ج ۲، ۱۳۸۰: ۵۳۱). آزادی و کرامت زن از نظر امان الله این است که اگر مرد نسبت به بی حجابی و در معرض قرار گرفتن زنش در برابر نامحرمان اعتراض کند، زن مجاز است که شوهرش را هدف گلوله قرار دهد!

همین امر باعث سرنگونی حکومت وی گردید؛ زیرا مردم مسلمان افغانستان معتقد بودند که کشف حجاب؛ یعنی برهنه شدن زن و در معرض دید نامحرمان و هوس رانان قرار گرفتن و بازیچه قرار گرفتن در مجالس عیش و خوش گذرانی؛ در حالی که اسلام حجاب را نوعی وقار برای زن دانسته و مایه کرامت و عزت او می داند.

عبدالرحمن که خود را مسلمان دانسته و حکومت خود را به عنوان ظل الله قلمداد می کرد، نه تنها به کرامت زنان جامعه افغانستان احترام قایل شد؛ بلکه رفتار او نسبت به زنان بعضی از اقوام افغانستان ضد کرامت زن؛ بلکه مخالف انسانیت بود. زمانی که مردم ارزگان و دیگر مناطق هزارستان در محاصره سربازان امیر قرار می گرفتند، دختران و خانم های جوان

۱. برگرفته از سایت: http://www.watan-afg.com/new_page_10.htm

به دلیل این که در معرض تجاوز سپاهیان امیر قرار نگیرند، به صورت دسته‌های چهل نفری از ارتفاع یک کوه بلند خود را به صورت گروهی به زمین می‌انداختند و فعلاً این کوه‌ها در مناطق گوناگون هزارستان به نام کوه‌های چهل دختران یاد می‌شوند. بعد از تسلط امیر بر هزارستان، دختران جوان و زنان مردم هزاره که زنده ماندند، رسماً به فرمان دولت به بردگی کشانیده شده و در سه بازار مرکزی کابل، جلال‌آباد و قندهار در معرض فروش قرار گرفتند. میر محمد صدیق فرهنگ چنین می‌نویسد:

«جنگ برای سه سال از ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۳ با نهایت شدت دوام کرد. امیر که توسط ملایان احساس مذهبی سنی را به درجه غلیان رسانده بود، بزرگ‌ترین قوای مختلط نظامی و قومی را از پنج سمت کابل، غزنی، قندهار، هرات و مزار شریف به داخل هزاره‌جات سوق داد... دره‌جات مختلف هزاره‌جات را یکی بعد از دیگری به زور و قوه فتح کردند. هزاره‌ها... دره به دره و قریه به قریه با قوای دولتی جنگیدند... این‌ها [قوای عبدالرحمن] علاوه بر قتل و شکنجه مردان محارب و غیر محارب، بر زنان و اطفال هم ابقا نمی‌نمودند و ناموس زنان و دختران جوان را با کمال بی‌باکی مورد تعرض قرار می‌دادند. در هر منطقه که اردوی حکومت وارد می‌شد، پس از کشتار مردان، پسران و دختران و حتی زنان را اسیر می‌ساخت و به عنوان غلام و کنیز در شهرها به فروش می‌رسانید. در پایان جنگ، امیر پنجاه دختر زیبا را برای تمتع خود و شهزادگان انتخاب کرد... قرار سنجش نماینده دولت انگلیس، از ماه جولای ۱۸۹۲ تا جون ۱۸۹۴، در حدود ۹ هزار نفر هزاره به طور کنیز و غلام در بازار کابل در محل بیع و شرا قرار گرفتند؛ در حالی که عده‌ای دیگر در سایر شهرها [جلال‌آباد و قندهار] به فروش می‌رسیدند» (همان).

در دوره نظام خلق و پرچم نیز آزادی زن به سوی مکتب سوسیالیسم پیش می‌رفت. آزادی زنان در این مکتب این بود که دختران با سرهای برهنه و لباس‌های تنگ و تحریک‌کننده، در متینگ‌ها در معرض دید نامحرم قرار گرفته و به رقص و پایکوبی بپردازند و از هرگونه اختلاط با مردان نامحرم پرهیز نداشته باشند. در عوض این که زن مایه آرامش کانون گرم خانواده خود بوده و آرایش و زیبایی‌اش اختصاص به شوهرش داشته باشد، با هر مردی

معاشرت آزادانه داشته و در میادین مختلف تفریحی، بازیچه هوس‌بازان مرد قرار می‌گرفت! آیا این بود کرامت و عزت یک زن مسلمان؟

بعد از سقوط نظام کمونیستی کابل، باز هم کرامت و عزت زنان جامعه افغانستان هم‌چنان فراموش شده باقی ماند. جنگ‌های داخلی دوران مجاهدین، باعث کشته شدن شوهران عده‌ای کثیری از زنان افغانستان گردید؛ آنان را بیوه ساخت و با تعدادی از فرزندان یتیم، عمر خود را با فقر، اضطراب‌های روانی و صدها مشکلات دیگر سپری نمودند. با آمدن نظام طالبانی علاوه بر مصایب و شداید موجود، نعمت تحصیل و آزادی‌های مشروع نیز از آنان گرفته شد.

۲-۴. چالش‌های فعلی کرامت زنان افغانستان

وضعیت فعلی زنان افغانستان بهتر از گذشته نیست. کرامت آنان، مثل سابق، مورد غفلت بوده و بی‌عدالتی‌های متعدد در حق آن‌ها اعمال می‌شود. در این قسمت از پژوهش، چالش‌های موجود راجع به کرامت زنان جامعه افغانستان به‌صورت گذرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۴. تبعیض

تبعیض یعنی «بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دادن» (عمید، ۱۳۸۱). در جامعه افغانستان این امر، چه در سطح ملی و چه در سطح خانوادگی، به وضوح دیده می‌شود. در ادارات و معاشرت بین مردم، زن به دید شخص درجه دوم دیده می‌شود. مردان در بین خانواده بین پسر و دختر تبعیض قایل شده و به دختر به دید کم‌مهری و محبت می‌نگرند. با توجه به این‌که فرزندان- اعم از دختر و پسر- نیاز به محبت مادر و پدر دارند؛ ولی متأسفانه والدین در رفتار، کردار و گفتار خود، پسران را مقدم می‌دارند! این نوع برخورد تبعیض‌آمیز، خلاف صریح دستور اسلام بوده و شایسته کرامت زنان مسلمان نمی‌باشد. قرآن مقدس هیچ‌گونه فرقی بین زن و مرد قایل نشده؛ بلکه ملاک برتری، امتیاز و کرامت را تقوی الهی می‌داند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی بیافریدیم و دسته دسته و

قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، هرآینه گرامی ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شما است» (حجرات/۱۳). این آیه ضمن تأکید بر برابری زن و مرد، ملاک ارزشمندی افراد را تقوا می‌داند، نه جنس آن‌ها.

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبُّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لَأَدَمَ وَ أَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (بحرانی، ۱۴۰۴: ۳۴)؛ هان ای مردم! خدای شما یکی است و پدر و مادر همه شما یک نفر است همه شما از آدم هستید و آدم از خاک بود. ملاک فضیلت تقوا و پرهیزگاری است.

با توجه به این که جامعه افغانستان، یک جامعه مسلمان است و لابد رفتار آن‌ها طبق مقررات و دستورات اسلام باشد، بد نیست نظر اسلام را راجع به تساوی مرد و زن جویا شده و آنگاه عمل خود را نسبت به رعایت کرامت و حقوق زنان جامعه خود مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲-۲-۴. اسلام و تبعیض جنسیتی

الف) تساوی در خلقت

بنیاد اندیشه

منظور از تساوی در خلقت، این است که خداوند مرد و زن را از نفس واحده و از یک گوهر آفریده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء/۱)؛ ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید و از خدایی که به نام او از همدیگر درخواست می‌کنید، پروا نمایید؛ و زنهار از خویشاوندان مبرید، که خدا همواره بر شما نگهبان است.

در این آیه، خطاب خداوند به مردم با کلمه «ناس» است که شامل مرد و زن می‌شود؛ یعنی همه مردان و زنان در خلقت مساوی می‌باشند و هیچ امتیازی بین مرد و زن در این زمینه

وجود ندارد. منظور از نفس واحده، یک فرد شخصی است، نه یک واحد نوعی (یعنی جنس مذکر) و اشاره به نخستین انسانی است که قرآن او را به نام آدم، پدر انسان‌های امروزی، معرفی کرده است (مکارم شیرازی، ج ۳، ۱۳۸۵: ۳۱۳). آیه اشاره دارد که خداوند حوا را از جنس آدم خلق کرد، نه از جزء آن. مؤید این مسأله آیات دیگر قرآن است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۱)؛ و از نشانه‌های او این که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است. در آیه دیگر چنین آمده است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (نحل / ۷۲)؛ خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد. هم‌چنین در آیه دیگر است: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (شوری / ۱۱)؛ خداوند، پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است. از خودتان برای شما جفت‌هایی قرار داد. همه این آیات، بیانگر وحدت خلقت زن و مرد بوده و در این زمینه مردان هیچ‌گونه امتیازی نسبت به زنان ندارند.

ب) اصل تساوی در حقوق

در اسلام تساوی حقوق زن و مرد به صورت عادلانه وجود دارد، نه تشابه؛ برعکس جامعه غربی که سعی می‌کنند تساوی را با تشابه یکی فرض کنند. در اسلام با توجه به تناسب فیزیکی، طبیعی و عاطفی زن و مرد، وظایف و حقوق آن‌ها وضع گردیده است. عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» یا «احقاق کل شیء حقه»؛ نهادن هر چیزی در جایی که لایق آن است، یا دادن به هر چیزی حقش را؛ بنابراین معنا، تساوی به معنای برابری و تشابه نیست؛ چنانچه در مقدمه اعلامیه حقوق بشر تساوی به معنای برابری گرفته شده است: «از آنجایی که مردمان ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و حیثیت و کرامت و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مردان و زنان، دوباره در منشور ملل متحد اعلام و عزم خود را جزم کرده‌اند که به پیشرفت اجتماعی یاری رسانند و بهترین اوضاع زندگی را در پرتو آزادی فزاینده به وجود آورند».

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی، حقوق زنان به همان معنای احقاق کل شیء حقه گرفته شده است؛ یعنی حقوق مردان و زنان بنا به تناسب وظایف آنها مد نظر گرفته شده است. در ماده ششم این اعلامیه چنین آمده است: «الف) در حیثیت انسانی، زن و مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسب خویش است. ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن، از وظایف مرد می باشد».^۱ با توجه به این اعلامیه، مردان تکالیفی دارند که زنان ندارند و متقابلاً زنان تکالیفی دارند که مردان ندارند؛ بنابراین، حقوق زن و مرد با توجه با تکالیف و حقوق مختلف، متفاوت است.

ج) موقعیت متقابل زنان با مردان

در اسلام، زنان و مردان در برابر یکدیگر ارزش و موقعیت متقابل دارند، نه این که وجود یکی طفیل دیگری باشد. هریک نسبت به دیگری به منزله لباس، شرف و آبرو قلمداد شده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید (بقره/ ۱۸۷). در آیه دیگر، خداوند موقعیت اجتماعی مردان و زنان را در برابر هم به وضوح بیان می کند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از خدا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمت شان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است (توبه/ ۷۱).

در این آیه، در واقع خداوند موقعیت اجتماعی و تأثیر و تأثر مرد و زن نسبت به همدیگر را بیان می کند و هردو جنس را دوستان، پشتیبان و یاران همدیگر دانسته و در تکامل و ساختن جامعه سالم هردو را به صورت مساوی مسئول می داند.

۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری (مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی) اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره.

تساوی در رسیدن به کمالات انسانی

از دیدگاه اسلام، مرد و زن هر دو در رسیدن به کمالات و ارزش‌های انسانی برابرند و هیچ‌کدام نسبت به دیگری در این زمینه برتری ندارند. جنس و جسم، باعث رشد و نمو و رسیدن به درجات عالی انسانی نیست؛ بلکه روح است که این جسم را به سوی سعادت و ارزش‌های انسانی سوق می‌دهد؛ بنابراین، همه مردان و زنان، بدون تفاوت می‌توانند قله‌های کمالات را فتح کنند. قرآن کریم در همین زمینه می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/ ۳۵)؛ مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکيبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای همه آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

در آیه دیگر است: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»؛ و هرکس کاری شایسته کند، چه زن و چه مرد، اگر مؤمن باشد، به بهشت می‌رود و بقدر آن گودی که بر پشت هسته خرما است، به کسی ستم نمی‌شود (نساء/ ۱۲۴).. در این آیه، صراحتاً بیان شده است که زن و مرد هر دو می‌توانند عمل صالح انجام دهند تا وسیله رشد و رسیدن به ارزش‌های انسانی را برای خود فراهم کنند. در آیه دیگر نیز به صراحت ذکر شده است که مردان و زنان می‌توانند عمل صالح انجام داده و زمینه کمالات و زندگی خوشی را برای خود مهیا سازند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/ ۹۷)؛ هر مرد و زن که کاری نیکو انجام دهند، اگر ایمان آورده باشند، زندگی خوش و پاکیزه‌ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان.

د) تساوی در برابر قانون

از نظر اسلام، زن و مرد در برابر قانون مساوی اند. هرکدام اگر جرمی مرتکب شوند، طبق مقررات دین اسلام باید کیفر خود را ببینند و در این مورد هیچ گونه امتیاز و برتری بین آنها وجود ندارد. متون دینی ما این مسأله را به صراحت بیان کرده است. قرآن مقدس می فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده/ ۳۸)؛ و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند، دست شان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، و خداوند توانا و حکیم است.

مشاهده می شود که در این آیه، مرد و زن در برابر قانون و مجازات مساوی اند و هیچ کدام به خاطر جنسیت تبریئه نشده اند. در آیه دیگر نیز بر تساوی زن و مرد در برابر قانون تصریح شده است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/ ۲)؛ به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در کار دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

در قانون اساسی افغانستان در باره تساوی حقوق مردان و زنان در برابر قانون تصریح شده است. در ماده ۲۲ آن آمده است: «هرنوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان، ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می باشد».

۳-۲-۴. عدم آزادی زنان افغانستان

یکی دیگر از چالش های کرامت زنان افغانستان، عدم آزادی آنها در امور شخصی و اجتماعی است. متأسفانه در طول تاریخ، زنان جامعه ما از نعمت آزادی های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی محروم بوده و نظام های سیاسی در این مورد هیچ گونه تدبیری اتخاذ نکردند! بد نیست بررسی گذرا به چالش های مذکور داشته باشیم.

الف) در امور سیاسی

زنان نیمی از پیکره جامعه افغانستان بوده و در سرنوشت کشورشان به اندازه مردان سهم دارند. نقش زنان را در تعیین نظام‌های سیاسی، شرکت در انتخابات، نظارت بر عملکرد نظام‌های سیاسی، حضور در ادارات و اداره کشور و رشد و تعالی جامعه افغانستان در ابعاد گوناگون، نمی‌توان نادیده گرفت؛ ولی متأسفانه در طول تاریخ افغانستان، این قشر عظیم از جامعه به‌خاطر باورهای غلط و سنت‌های غیر اصیل، از صحنه‌های سیاسی دور نگهداشته شده و محصور کنج خانه‌ها و صرفاً خانه‌داری گردیده‌اند! مسلماً این مسأله مخل کرامت زنان جامعه مسلمان افغانستان است.

ب) در امور اقتصادی

یکی دیگر از موانع و چالش‌های کرامت زنان افغانستان، عدم آزادی آن‌ها در امور اقتصادی است. در افغانستان آنچه زن از کارش به‌دست می‌آورد، در نهایت مال مرد است؛ یعنی زن پس از روزها زحمت‌کشی و یا ماه‌ها کار، پولی که عایدش می‌شود، به شوهر تعلق می‌گیرد و از لحاظ اقتصادی استقلال ندارد. به مهریه زن، که حق مسلم زن است، در جامعه افغانستان کم‌تر توجه می‌شود؛ هم‌چنان‌که از میراث شوهر اثری نیست. در صورت مرگ شوهر، زن خود جزو میراث مردان خانواده شوهر است و فرزند دختر هم از مال پدر سهمی نمی‌برد.

اسلام برای زنان، مثل مردان، از اموال اقاربش سهمی قایل بوده و استقلال اقتصادی زنان را به رسمیت شناخته است؛ بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند موانع آزادی زنان در این زمینه بشود. قرآن مقدس می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء / ۷)؛ برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان آنان بر جای گذاشته‌اند، سهمی خواهد بود، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، نصیب هرکس مفروض شده است.

در آیه دیگر نسبت به آزادی و استقلال اقتصادی زنان و این‌که درآمد هر زن و مردی

متعلق به خودشان است، تصریح شده است: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء / ۳۲)؛ برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است، و برای زنان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی دانا است.

نتیجه‌ای که از آیات قرآن کریم به دست می‌آید، این است که محدود نمودن امور اقتصادی زنان خلاف دستور اسلام و کرامت آن‌ها است. متأسفانه در جامعه اسلامی افغانستان، نسبت به این مسأله بی‌توجهی صورت گرفته است!

ج) در تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت حق مسلم هرانسان است. هر مرد و زن می‌توانند آزادانه از این نعمت الهی بهره‌مند گردند. متأسفانه در جامعه افغانستان، زنان از این ناحیه در محرومیت به سر می‌برند! فضای مردسالاری و سنت‌های بی‌اساس، باعث شده است که دختران و زنان از تحصیلات عالی باز مانده و فقط به حد خواندن و نوشتن اکتفا کنند. در زمان حکومت طالبان، همین نعمت خواندن و نوشتن نیز از دست زنان جامعه افغانستان گرفته شد. در بعضی مناطق افغانستان در اذهان مردم چنین نهادینه شده است که دختران لازم نیست سطح بالای دانش را فرا گیرند؛ حال این‌که چنین نگرشی خلاف دستورات اسلام است. متون دینی ما هیچ محدودیت در فراگیری علم قایل نبوده و تحصیل آن را بر هر مرد و زن لازم شمرده است.

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (حر عاملی، ج ۱۷، ۱۴۰۹: ۲۴۹)؛ یادگیری علم بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری است. امام علی (ع) می‌فرماید: کمال دین در طلب علم است و تحصیل آن از کسب مال مقدم است: «أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ أَوْجِبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ ضَمِنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَخْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أُمِرْتُمْ بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ» (همان، ج ۲۵: ۲۷)؛ مردم بدانید کمال دین در طلب علم و عمل به آن است و تحصیل علم نسبت به تحصیل مال اوجب است؛ زیرا مال

را ممکن است حاکم عادل بین شما تقسیم کند و به آن دست پیدا کنید؛ ولی علم نزد اهلش بوده و باید آن را از اهلش بیاموزید. تحصیل علم در اسلام چنان اهمیت دارد که رسول گرامی اسلام فرمود: «اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (همان)؛ علم را بیاموزید ولو این که در دورترین نقطه جهان باشد. همانا طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان لازم است. با توجه به روایاتی که از معصومین^(ع) روایت شده و تأکید فراوان دین مبین اسلام، عملکرد نظام‌های سیاسی و جامعه افغانستان نسبت به تعلیم و تحصیل زنان بسیار ضعیف بوده و در خور شأن و کرامت زنان مظلوم افغانستان نبوده است.

د) در ازدواج

یکی از چالش‌های کرامت زنان افغانستان، عدم آزادی در امر ازدواج آن‌ها است. از آنجایی که در خانواده‌ها پدرسالاری حاکم است، والدین، به‌ویژه پدران، بدون مشوره با دختران و جلب رضایت آن‌ها و بی‌هیچ توجهی به آرزوها، آمال و خواست‌های آن‌ها، مراسم نامزدی، تعیین مهر و سایر تشریفات مربوط به ازدواج را به نمایندگی از دخترش با شخص مورد نظر خویش انجام می‌دهند. گاهی پدران، دختران جوان خود را به کسانی شوهر می‌دهند که هم‌کفو دختر نبوده و تفاوت سنی زیادی بین مرد و زن وجود دارد. در بعضی مواقع، دختران تا هنگام عروسی، شوهران خود را نمی‌بینند. با توجه به این که نکاح اجباری و معاوضه دختران و قراردادن به‌عنوان مهریه (بدل‌گیری) در اسلام تحریم گردیده است؛ اما متأسفانه در افغانستان وجود دارد! دختران را به‌عنوان یک کالا مورد معامله و معاوضه قرار می‌دهند. چنین ازدواج‌هایی سرانجام نزاع‌های فامیلی را به‌دنبال داشته که کم‌ترین اختلاف در یکی از طرفین، موجب سرایت به طرف دیگر شده و سبب بروز کشمکش و انتقام‌گیری از دختر دیگر طرف گردیده است؛ حتی زنان بیوه بعد از فوت شوهرش، حق آزادی در ازدواج مجدد را ندارند. طبق سنت‌های غلط، باید یکی از مردان فامیلین شوهرش را انتخاب کنند.

محدودیت و عدم آزادی مشروع و معقول در امر ازدواج دختران، علاوه بر نادیده‌انگاشتن حقوق و پامال کردن کرامت و شرافت زنان، بنیاد خانواده‌ها را به سستی مواجه کرده و با

لغزش‌های متعددی مواجه می‌کند. هم‌چنین بزرگ‌ترین مشکلات اجتماعی و ناهنجاری‌های خانوادگی؛ از قبیل فرار از منزل، خشونت‌های خانوادگی، توسل زنان به خودکشی، خودسوزی و... را در پی دارد؛ زیرا خانواده‌ای که به این طریق شکل می‌گیرد، فاقد آن صمیمیت، وفاداری و اخلاص است که برای بقا و موفقیت زندگی زناشویی لازم است. عشق و علاقه طرفین به یکدیگر، که اساس کانون خانواده را تشکیل می‌دهد، در نتیجه همین روش ناپسند، دیگر میان زن و شوهر وجود ندارد. زن و شوهر قلباً باهم پیوند نخورده و علی‌رغم زندگی در کنار هم و زیر یک سقف، هزاران میل از یکدیگر فاصله دارند. در یک چنین خانواده‌ای، زن و شوهر زندگی آرامی نداشته و با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند و هم‌چنین نمی‌توانند فرزندان صالح به جامعه تقدیم کنند؛ زیرا مشاجرات، بدبینی‌ها و عدم احترام متقابل زن و شوهر، محیط خانواده را کاملاً به محیط غیر انسانی تبدیل می‌نماید.

اسلام در امر ازدواج، زنان را همانند مردان، در تصمیم‌گیری و انتخاب شوهر آزاد گذاشته است و بدون رضایت او، پیوند ازدواج اعتباری ندارد. امام صادق^(ع) در این زمینه چنین می‌فرماید: «تُسْتَأْمَرُ الْبُكَرُ وَ غَيْرُهَا وَ لَا تُنْكَحُ إِلَّا بِأَمْرِهَا» (محدث نوری، ج ۱۴، ۱۴۰۸: ۴۵۹)؛ با زنان، چه باکره و چه غیر باکره، در امر زناشویی مشورت کنید و با آنان پیوند زناشویی ننبدید؛ مگر به خواست خودشان. امام صادق^(ع) در جای دیگر به صراحت بیان می‌کند که ازدواج دختر حتی بدون اجازه پدرش صحیح است: «لَا بَأْسَ بِتَزْوِيجِ الْبُكَرِ إِذَا رَضِيَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ آبَيْهَا» (حر عاملی، ج ۲۰، ۱۴۰۹: ۲۸۵)؛ اگر دختر باکره بدون اجازه پدرش ازدواج کند، مشکلی ندارد.

البته بحث این‌که ازدواج باکره بدون اجازه پدر یا جدش صحیح است یا نه، یک بحث فقهی است که از ظرفیت این نوشتار خارج است و باید در جای خودش بحث شود؛ زیرا بعضی از فقها به علت تجربه کافی پدر و مصلحت‌اندیشی نسبت به دختر و احساساتی‌بودن زن، اجازه پدر را در امر ازدواج دختر باکره لازم می‌دانند.

۲-۲-۴. خشونت مردان با زنان

یکی دیگر از چالش‌های کرامت زنان افغانستان، خشونت مردان با زنان است که در قالب گفتار، رفتار و کردار خود را نشان می‌دهد. مردان لینت و گفتار محبت‌آمیز با زنان را یک نوع ننگ و عار می‌دانند. کسی که با همسر خود لطف زبان و رفتار انسانی داشته باشد، نسبت زن ذلیل به او می‌دهند. مردانی که با چهره عبوس و خشن با زنان برخورد نمایند، مورد تمجید قرار گرفته و نوعی هیبت مرد را می‌رساند. گاهی مردان خشونت خود را با زدن و درگیری فیزیکی با زنان نشان می‌دهد. زن را چنان مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که در هیچ مکتب و مسلکی پسندیده نیست.

دین مقدس اسلام که دین لطف و رحمت است، چنین رفتاری را با نوع انسان، چه رسد با زن مسلمان، جایز نمی‌داند و چنین رفتاری را اذیت قلمداد می‌کند و کسی که انسانی را اذیت کند، ملعون شناخته شده است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (نوری، ج ۹، ۱۴۰۸: ۹۹)؛ کسی که مؤمنی را اذیت کند، گویا مرا اذیت کرده و کسی که مرا آزار دهد، کانه خداوند را آزار داده است و چنین کسی در تورات، انجیل، زبور و قرآن مورد لعنت قرار گرفته و همه ملائکه و مردم او را لعنت می‌کنند.

در حدیثی از امام صادق است که کسی مؤمنی را اذیت کند، خداوند انتقام می‌گیرد: «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَرْشِهِ وَاللَّهُ يَنْتَقِمُ مِنْ ظَلَمِهِ» (حر عاملی، ج ۱۶، ۱۴۰۹: ۳۵۶). قرآن مقدس نیز با صراحت از اذیت کردن مردم منع کرده و یک نوع گناه شمرده است: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا» (احزاب/ ۵۸)؛ و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌هیچ گناهی می‌آزارند، تهمت و گناه آشکاری را بر دوش می‌کشند».

پیامبر اسلام (ص) راجع به کتک‌زدن زن می‌فرماید: «أَيُّ ضَرْبٍ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَطْلُ

مُعَانِقَهَا» (کلینی، ج ۵، ۱۳۶۵: ۵۰۹)؛ آیا زن را کتک می‌زنید، سپس می‌خواهید با او هم‌آغوش باشید؟! آن بزرگوار در حدیث دیگر راجع به کتک‌زدن زن و خشونت با او چنین می‌فرماید: «... وَ مَنْ دَفَعَ مُؤْمِنًا دَفْعَهُ لِيُذِلَّهُ بِهَا أَوْ لَطَمَهُ لَطْمَةً أَوْ أَتَى إِلَيْهِ أَمْرًا يَكْرَهُهُ لَعْنَتُهُ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُرْضِيَهُ مِنْ حَقِّهِ وَ يَتُوبَ وَ يَسْتَغْفِرَ»؛ آن‌که مؤمنی را به قصد تحقیر از نزد خویش براند یا به او (سیلی بزند) یا با او برخوردی ناخوشایند داشته باشد، ملائکه او را نفرین کنند، تا آنگاه که آن مؤمن را نسبت به حقش راضی کند و از کردارش نسبت به او توبه کند و آمرزش بخواند (مجلسی، ج ۷۷، ۱۴۰۴: ۱۴۷)

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِلَيَّ رَسُولُهُ مِنَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ الرُّفْقِ بِعِبَادِهِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الْإِشْرَاكِ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ الْعُنْفِ عَلَى عِبَادِهِ» (همان)؛ هیچ‌کاری نزد خدا و پیامبر گرامی‌تر و محبوب‌تر از ایمان و رفق (نرمش و مدارا) با مردمان نیست، و هیچ‌کاری نزد خداوند و رسول او، زشت‌تر از شرک به خدا و خشونت با مردمان نیست.

امام صادق^(ع) می‌فرماید: «فَازُوا وَ اللَّهُ الْأَبْرَارُ أَ تَدْرِي مَنْ هُمْ هُمُ الَّذِينَ لَا يُؤْذُونَ الذَّرَّ»؛ به خدا سوگند که نیکان رستگار شدند. آیا می‌دانید ایشان کیانند؟ آنان کسانی‌اند که مورچه بسیار کوچکی (که با چشم به سختی دیده می‌شود یا هر موجود ریزی) را آزار نمی‌رسانند» (حر عاملی، ج ۱۶، ۱۴۰۹: ۳۵۶).

۵-۲-۴. مردسالاری

یکی از موانع کرامت زنان افغانستان، روحیه مردسالاری است که بر جامعه ما حاکم است. ذهنیت برتر بودن و بر حق بودن مرد یک اصل غیرقابل تغییر در جامعه است. آنچه به نام غیرت افغانی به مباحثات گرفته می‌شود، خردکردن عواطف و احساسات زن است. در کشور افغانستان، زن به عنوان یک موجود ضعیف از حیث جسمی، روحی و کاری تلقی شده است و حال آن‌که واقعیت غیر از این است. زن‌ها دوش به دوش مردان علاوه بر خانه‌داری، مشغول کارهای اقتصادی نیز می‌باشند. در دشت‌ها و صحراها و قله‌های مرتفع زنان بارهای سنگین

را بر دوش و بر سر حمل می‌کنند تا برای اطفال خود نان پیدا کنند. اندیشه‌های مردسالاری در جامعه افغانستان ریشه در همان باورهای غلط سنتی دارد. از آنجایی که مردان نان‌آوران خانه محسوب می‌شوند- شرعاً نفقه به گردن مرد است- به زنان منت گذاشته و به این باورند که زن را خدا برای اطاعت شوهر و بچه‌زاییدن برای شوهر آفریده است و شوهر حق دارد که زنش را هرگونه که او می‌خواهد، ادب کند. تا زمانی که این اندیشه‌های بنیان‌سوز مردسالاری سوزانده نشود و زنان جامعه ما به‌خود آگاهی و حق‌شناسی دست نیابند، اندیشه مردسالاری همواره وجود خواهد داشت و کرامت زن همیشه مخدوش خواهد ماند. این نکته را نباید ناگفته بگذاریم که مبارزه با تفکر مردسالاری به‌معنای رهایی زن از همه قید و قيود فقه خانواده نیست و نباید مبارزه با تفکر مردسالاری را با رهایی و مهارگسیختگی مطلق‌العنان زن در اجتماع و خانواده اشتباه گرفت و خلط کرد. نه افراط و نه تفریط؛ بلکه همان راهی که عدالت و کرامت زن را تضمین می‌کند.

۶-۲-۴. نادیده گرفتن حقوق زنان

در جامعه افغانستان، زنان از حقوق مسلم خود؛ مانند مهریه، ارث، نفقه، مالکیت، حضانت و... محروم‌اند. مهریه‌ای که در ضمن عقد تعیین می‌شود، روحیه مردسالاری باعث شده است که زنان نتوانند مهریه خود را از مردان مطالبه نمایند. به‌ندرت یافت شده که زن بتواند مهریه خود را وصول کند. ارث که حق مسلم زنان است، در هیچ خانواده‌ای دیده نشده است که به دختران ارث بدهند. هر آنچه از اقارب بازمانده است، به پسران تعلق می‌گیرد. خانواده شوهر به این باور است که اگر ارث به دختر انتقال پیدا کند، دارایی خانواده شوهر به خانواده داماد انتقال پیدا می‌کند و این امر برای آنان خیلی مشکل به‌نظر می‌رسد و هرگز قبول نمی‌کنند. همان‌گونه که مردان حق مالکیت دارند، زنان نیز از این حق برخوردارند؛ ولی متأسفانه در جامعه افغانستان کم‌تر دیده شده که زنان از چنین حقی برخوردار باشند! بعد از طلاق و جدایی زن از شوهر، زن حق دارد حضانت فرزند خود را با توجه به آنچه فقه تعیین فرموده، به عهده گیرد؛ ولی در جامعه افغانستان، در خیلی از موارد دیده شده که به محض جدایی زن از شوهر، خانواده شوهر زن را از حق حضانت فرزند محروم کرده؛ حتی حق دیدن فرزند را

نیز از وی سلب می‌نماید. همه این حق‌کشی‌ها برخلاف اسلام و کرامت والای زن است. در اسلام زن حقی دارد و مرد حقی دارد و هرکدام نسبت به همدیگر تکالیف و حقوقی دارند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «ایها الناس إن لنسائکم علیکم حقاً و لکم علیهن حقاً...» (بحرانی، ۱۴۰۴: ۳۳)؛ ای مردم! همان‌گونه زنان بر شما حقی دارند، شما نیز بر آن‌ها حقی دارید.

۷-۲-۴. ظلم در قالب طلاق

گرچه در جامعه افغانستان، طلاق بسیار به‌ندرت صورت می‌گیرد و یک نوع عار برای خانواده‌ها محسوب می‌شود؛ ولی در بعضی مواقع، اگر جدایی بین زن و شوهر به‌وقوع می‌پیوندد، زن در مورد گرفتن مهریه و در کیفیت جدایی از شوهر، ظلم بسیاری را متحمل می‌شود. اگر نکاح دو دختر به‌صورت بدلی صورت گرفته باشد، به‌خاطر لج‌بازی دو خانواده، گاهی طلاق زن سال‌ها طول کشیده و خصومت شخصی و خانوادگی و سنت‌های غلط باعث می‌شود که زن مظلوم، ظلم مضاعف را متقبل گردد.

در دین اسلام، چنین رفتاری خلاف کرامت زن است. قرآن مقدس سفارش می‌کند که در امر طلاق سخت‌گیری نکنید. نسبت به رهایی آنان به‌خوبی رفتار نمایید: «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا» (بقره/ ۲۳۱)؛ اگر زنان را طلاق دادید و مهلت سرآمد، یا آنان را به نیکو وجه نگه دارید یا به نیکو وجه رها سازید و برای این‌که بدانان زیان برسانید، در خانه نگاه‌شان مدارید. هرکس چنین کند، به خویشتن ستم کرده و آیات خدا را به ریشخند مگیرید...».

ملاحظه می‌شود که خداوند سخت‌گیری و ظلم به زن را نسبت به طلاق، به‌منزله ریشخند به آیات خودش قرار داده است. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: زن در بازگشت به شوهر اولش آزاد است و نباید از آن جلوگیری شود؛ در صورتی که طرفین رضایت دارند: «إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره/

۲۳۲)؛ و چون زنان را طلاق گفتید و عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با همسران سابق خود، چنانچه به‌خوبی با یکدیگر تراضی نماید، جلوگیری نکنید. طبق دستور قرآن در هر دو صورت، مردان نسبت به زنان به‌صورت معروف عمل کنند.

اکنون با این تأکیدهای قرآن بر معیار معروف در رفتار با زنان، حدود معنای معروف باید روشن‌تر بررسی شود که آیا «معروف» همان حق و قانون و عدل است یا چیزی حتی برتر و گسترده‌تر از قانون و عدالت. واژه «معروف» که در تعالیم دینی بسیار آمده است و دستور اجتماعی «امر به معروف» نیز با این واژه تبیین شده است، معنایی ژرف‌تر و گسترده‌تر از قانونمندی و عدل‌گرایی دارد و چنان‌که «معروف» شامل حق قانونی و عادلانه می‌شود، هم‌چنین کارهای ارزشی، اخلاقی و انسانی را نیز در برمی‌گیرد؛ یعنی رفتاری افزون بر حق و عدل که نوعی نیکوکاری و شایسته‌آرزش‌های متعالی انسانی است؛ پس اگر گفته شود با زن به حق یا به عدالت رفتار کنید؛ یعنی حق عادلانه او را بدهید و اگر گفته شود با «معروف» با او رفتار کنید؛ یعنی بیش از حق و عدل به او رسیدگی کنید و تا آن اندازه با او نیکی کنید که اقتضای اخلاق انسانی، ارزش‌های اسلامی و کرامت زن است. به تعبیر دیگر، یعنی از تکلیف‌های واجب گامی فراتر نهد و به مستحبات نیز در این رابطه عمل کند.

معاشرت با معروف؛ یعنی رفتاری طبق دستور خدا و ادای حقوق زنان در تأمین نیازها و نیکوگفتاری و نیکورفتاری با آنان. نیز گفته شده است: معروف این است که زنان را نزنید و سخن زشت نیز به آنان نگویند و در رویارویی با ایشان گشاده‌روی باشید.

در نتیجه، سزاوار است که جامعه مسلمان افغانستان نسبت به امر طلاق، طبق سفارشات دین مبین اسلام عمل نماید که همین امر، مستلزم حفظ حقوق و کرامت زنان جامعه در این زمینه است.

۸-۲-۴. ضرب‌المثل‌های جاهلانه

یکی از مسائلی که کرامت زنان جامعه ما را زیر سؤال برده، ضرب‌المثل‌های جاهلانه‌ای است که ناشی از ذهنیت منفی و باورهای غلط نسبت به زن است. ضرب‌المثل‌های رایج بین

مردم افغانستان از این قرار است:

«زن ناقص العقل است»؛

«زن دام شیطان است با زن مشوره کن؛ و لاکن برخلاف نظرش عمل کن»؛

«زن قبرغه کج است»؛

«زن را به زر بخر و با لگد بزن»؛

«جنگ را زن شروع می کند، مرد تماش می کند».

چنین ضرب المثل هایی، علاوه بر این که اساس ندارد و نشأت گرفته از اندیشه و افکار جاهلی است، یک نوع توهین و تمسخر به قشر عظیمی از جامعه مسلمان محسوب می شود. این امر در اسلام منع گردیده و خلاف کرامت زنان می باشد. قرآن مقدس در این زمینه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آن ها از این ها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را ریشخند کنند، شاید آن ها از این ها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب های زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد، آنان خود ستمکارند.

پیامبر (ص) نیز راجع به توهین به دیگران چنین می فرماید: «أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ»؛ پست ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند (مجلسی، ج ۷۲، ۱۴۰۴: ۳۸۱). آن بزرگوار در جای دیگر می فرماید: «مَنْ أَحْزَنَ مُؤْمِنًا ثُمَّ أَعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَتَهُ وَ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ»؛ آن که انسانی را به وسیله مسخره و توهین و... غمگین سازد، اگر همه دنیا را به او بدهد، جبران کارش نمی شود و پاداشی نیز ندارد (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۴۸).

روایاتی که در بعضی منابع دینی ما آمده که ظاهراً نگاه منفی به زنان دارند؛ مانند این که

زن ناقص‌العقل است و دیگر مواردی که در بخش راه‌کارها بیان خواهد شد؛ ولی با دقت نظر معلوم می‌شود که منظور طبیعت زن نیست؛ بلکه موارد و شرایط مکانی و زمانی خاص مدنظر است؛ مثلاً در نهج‌البلاغه آمده: «وَإِيَّاكَ وَ مُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَفْنٍ وَ عَزَمَهُنَّ إِلَى وَهْنٍ»؛ در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان پرهیز که رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۳۶). در این نامه هرچند از مشورت با زنان منع شده است؛ ولی فرمایش امام در باره زنان از نوع قضیه حقیقه نیست تا به اصل طبیعت زن نظر داشته باشد؛ بلکه از نوع قضیه خارجی است؛ یعنی با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاصی گفته شده است؛ در غیر این صورت، اسلام برای مشورت با زنان در اموری که مربوط به تخصص و دانش آن‌ها است، مانعی نمی‌بیند.

امام علی^(ع) زن را به‌عنوان گل، که فضای جامعه را با مهر و محبت و... خود عطرآگین می‌کند، یاد نموده است؛ به این معنا که طبیعت زن بد نیست؛ ولی شایسته است کارهای مناسب با وضع فیزیکی و روحی آن‌ها به آنان واگذار شود: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ کارهایی که برتر از توانایی زن است، به او وامگذار که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت‌کوش (همان).

۹-۲-۴. نادیده‌گرفتن فعالیت زن در خانواده

زن در خانواده نقش محوری و زیربنایی در تربیت فرزندان صالح و سازندگی شخصیت آنان دارد. زن در خانواده به‌مثابه لنگرگاهی است که اهل آن را در برابر طوفان تغییرات محفوظ نگاه می‌دارد. آرامش و سکونتی را که زن به مرد می‌بخشد، با هیچ شیوه و ابزاری نمی‌توان پدید آورد. قرآن مقدس می‌فرماید: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/ ۲۱)؛ و از نشانه‌های او این‌که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

سکونت، آرامش عمیقی است که مردان در کنار زنان و در آغوش خانواده می‌یابند و در

پرتو آن، زندگی چون قایقی به ساحل می‌رسد و اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و سرگردانی‌ها از محیط اندیشه و زندگی مردان رخت برمی‌بندد؛ بنابراین، کارآیی مردان و ایفای نقش درست در جامعه و دیگر انتظارات که از مردان هست، در پرتو خانواده و در کنار همسران به فعلیت می‌رسد و شکوفا می‌گردد.

با توجه به آنچه ذکر شد، متأسفانه در جامعه افغانستان از زحمات طاقت‌فرسای مادران و زنان به‌گونه‌ای که شایسته کرامت آنان باشد، قدردانی نشده است. سزاوار است که دولت‌مردان، نخبگان، عالمان و روشنفکران جامعه ما، هر سال در قالب همایش‌ها، کنفرانس‌ها، میزگردها و... نقش محوری زن در خانواده را بیان نموده و وظایف دینی خود در قبال کرامت مادران را ایفا نمایند.

۵. راه‌کارها

با توجه به چالش‌های موجود، راه‌کارهایی راجع به تحقق کرامت زنان جامعه افغانستان به‌نظر می‌رسد که به‌صورت گذرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

۵-۱. سواد زنان

اولین راه برای احیای کرامت و شخصیت واقعی زنان در جامعه افغانستان، سواد آنان است. بخش اعظم از زنان - اعم از شهری و روستایی - از نعمت سواد محروم‌اند. در اکثر نقاط افغانستان، ذهنیت در رابطه با تعلیم زنان و دختران بر آن است که دختران کم‌سن به مکتب بروند؛ ولی وقتی بزرگ شدند، باید از مکتب‌رفتن‌شان خانواده‌ها جلوگیری کنند. همین ذهنیت، از جمله عواملی است که باعث بی‌سوادی زنان در جامعه ما گردیده است.

در عصر ما، توانایی و قدرت در روابط افراد، جامعه و فامیل به کسی تعلق می‌گیرد که از آگاهی و دانش معاصر برخوردار باشد. زنان می‌توانند با تلاش و کوشش و عزم و اراده خویش، با کمک و هم‌کاری نظام سیاسی و نخبگان و دلسوزان فرهنگی جامعه ما، بر توانایی علمی خود افزوده، تا بدین طریق، موقعیت هویتی و کرامت انسانی خود را کسب نمایند.

۲-۵. آگاهی حقوقی زنان از دیدگاه اسلام

یکی از عواملی که در جامعه افغانستان نسبت به زنان به دیده تحقیر نگریسته و انواع ظلم و خشونت را به آنها روا داشته، این است که زنان و جامعه ما، آگاهی کافی نسبت به حقوق زن از نگاه اسلام ندارند؛ همین امر باعث شده که مردان خود را محق دانسته و زنان به عنوان یک شیء واجب الطاعه قلمداد شوند. زنان اگر به حقوق و وظایف خود آشنایی پیدا کنند، آن وقت نخواهند گذاشت که روحیه مردسالاری، حق آنان را ضایع کرده و تحکم فضای خانواده را اشغال کند. آزادی مشروع زنان در برابر سخت گیری های غیرانسانی و اسلامی مردان، در سایه همین امر محقق می شود. وظیفه اطلاع رسانی و آگاهی زنان نسبت به حقوق اسلامی شان، به عهده عالمان دینی است تا در پرتو تلاش دلسوزان دینی، زن جامعه افغانستان، بتواند هویت و کرامت خود را به دست آورد. تبیین حقوق زنان از نگاه دین؛ مانند ارث، مهر، نفقه، خضانت، دیه، قضاوت و شهادت، مقاله مستقلی را می طلبد و از ظرفیت این نوشتار خارج است.

۳-۵. تغییر ساختار قبیله ای و سنتی در باره زنان

ساختار قبیله ای و سنتی افغانستان راجع به زنان، باعث نادیده گرفتن کرامت زنان جامعه ما گردیده است. خشونت، ازدواج های اجباری، مردسالاری، خودسوزی و خودکشی ها همه در سایه شوم همین ساختار است. آنچه بیش تر جامعه زنان افغانستان را آزار می دهد، رفتار دوگانه و تبعیض آمیز والدین بین دختران و پسران است؛ به این معنا که پسر را نسبت به دختر مقدم داشته و محبت و رسیدگی بیش تر را به آنان معطوف می دارند؛ حال این که در متون دینی ما، روایاتی وجود دارد که محبت و توجه بیش تری را به دختران و زنان توصیه می کند که به چند نمونه از این روایات اشاره می کنم.

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ... وَ لَبِئْدُ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ...»؛ آن که بازار برود و ارمغانی بخرد و به خانه ببرد، در تقسیم از دختران آغاز کند (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۵۷۱).

۲. «قال رسول الله (ص): إن الله تبارك و تعالی على الإناث ارق مُنذ على الذکور...»؛ پیامبر فرمود: خداوند متعال نسبت به دختران مهربان‌تر از پسران است (عاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹: ۳۶۷).

۳. «قال رسول الله (ص): اذا كنت فی صلوۀ التطوع، فان دعاك والدك فلا تقطعها، و ان دعتك والدتك فاقطعها»؛ اگر نماز نافله می‌گزاردی و پدرت تو را صدا زد، نماز را برهم نزن، و اگر مادرت تو را صدا زد، آن را برهم بزن» (نوری، ج ۱۵، ۱۴۰۸: ۱۸۱).

۴. «قال رسول الله (ص): الجنة تحت اقدام الامهات»؛ بهشت زیر پای مادران است (همان: ۱۸۰).

۵. «قال رسول الله (ص): مازال جبرئیل یوصینی بالمرئة حتی ظننت انه لا ینبغی طلاقها الا من فاحشۀ مبینة»؛ همواره جبرئیل مرا نسبت به زنان سفارش می‌کرد؛ بدان‌سان که پنداشتم طلاق زن اصلاً جایز نیست؛ مگر از جرم و گناهی آشکار و ثابت شده (شیخ صدوق، ج ۱، ۱۴۱۳: ۵۲).

۶. «قال رسول الله (ص): اقربکم منی مجلساً یوم القیامة... خیرکم لاهله»؛ نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در روز رستاخیز، کسانی‌اند که با همسران‌شان بهتر و انسانی‌تر رفتار کنند (عاملی، ج ۸، ۱۴۰۹: ۵۰۷). معیار برتری ایمان و نزدیکی به مقام والای پیامبر (ص) در آخرت، نیکی به زنان و همسران است.

۷. «قال رسول الله (ص) احسن الناس ایماناً... الطفهم باهله و انا الطفکم باهلی»؛ بهترین مردم در دین‌باوری... کسانی هستند که نسبت به همسران‌شان مهربان‌تر باشند و من از همه شما نسبت به خانواده‌ام مهربان‌ترم» (شیخ صدوق، ج ۲، ۱۳۷۸: ۳۸).

۸. «قال رسول الله (ص): المؤمن یأکل بشهوة اهله، و المنافق یأکل اهله بشهوة»؛ مؤمن به میل همسرش غذا می‌خورد، و منافق همسرش به میل او غذا می‌خورد (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۹۱). مردها در مسائل مربوط به ذوق و سلیقه نیز باید ذائقه و سلیقه زنان را رعایت کنند و احساس و ذائقه خویش را پیرو خواسته‌های همسران‌شان قرار دهند.

۹. «قال الصادق^(ع) العبد كلما ازداد للنساء حباً ازداد في الايمان فضلاً»؛ انسان آنگاه که زنان

را بیش‌تر دوست داشته باشد، ایمانش رشد می‌کند (عاملی، ج ۱۴، ۱۴۰۹: ۱۱).

۱۰. «قال رسول الله^(ص) اقربكم مني مجلساً يوم القيامة... خيركم لاهله»؛ نزدیک‌ترین شما به

جایگاه من در روز رستاخیز، کسانی‌اند که با همسرانشان بهتر (و انسانی‌تر) رفتار می‌کنند.

و «احسن الناس ايماناً... الطفهم باهله و انا الطفكم باهلی»؛ بهترین مردم در دین‌باوری...

کسانی هستند که نسبت به همسرانشان مهربان‌تر باشند و من از همه شما نسبت به خانواده‌ام

مهربان‌ترم (همان، ج ۱۳: ۱۵۳).

با توجه به احادیث فوق‌الذکر، رفتار دوگانه خانواده‌ها نسبت به فرزندان، که نشأت گرفته

از همان ساختار غلط سنتی و باورهای بی‌اساس است، خلاف صریح دین مبین اسلام

می‌باشد. تحول و دگرگونی در رفتار جامعه ما نسبت به زنان به عهده عالمان و نخبگان دینی

و دلسوزان فرهنگی است و تا این ساختار تحول پیدا نکند، هم‌چنان کرامت زن در جامعه

افغانستان مخدوش و پایمال خواهد ماند.

۴-۵. آزادی مشروع زنان

یکی از راه‌های احیای کرامت زن در افغانستان، ایجاد فضای آزادی مشروع زنان است.

قید مشروع به این معنا است که آزادی زن از افراط و تفریط خالی باشد؛ نه محصور نمودن

زن در کنج خانه‌ها و عدم حضور در صحنه‌های اجتماعی و نه آزادی به معنای بی‌بندوباری

و رعایت نکردن هنجارها و ارزش‌های اسلامی؛ نه اکراه و اجبار ازدواج دختران بدون رأی

و نظر آن‌ها و نه ازدواج‌های خیابانی و آشناسیدن در محله‌ها، بدون مشورت پدر و مصلحت

دختران؛ نه محدود و محصور بودن زن به اراده و نظر شوهر به‌طور مطلق و نه مطلق‌العنان بودن

زن و عدم رعایت مصالح شوهر. در کل، باید آزادی زن در محدوده‌ای که شارع مقدس اسلام

تعیین فرموده، باشد که همین امر، باعث تضمین کرامت زن است.

۵-۵. آگاهی زنان از فرهنگ و آزادی از نوع غربی آن

سال‌ها است که مردم افغانستان، شاهد حضور نیروهای خارجی در کشور خودشان‌اند. طبیعی است که نیروهای بیگانه با فرهنگ و آداب خود خواهند آمد. عدم آگاهی از فرهنگ و آزادی دیگران، علاوه بر استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی ما را نیز به‌خطر مواجه خواهد کرد. زنان و جوانان جامعه ما بیش‌ترین قشر آسیب‌پذیر از فرهنگ بیگانه می‌باشند. آزادی از نوع غربی آن، نه‌تنها کرامت زنان ما را تضمین نمی‌کند؛ بلکه آنان را به‌طرف ضد ارزش‌ها و ضد کرامت انسانی سوق خواهد داد. آیا به‌نمایش گذاشتن زنان برهنه از ماهواره‌ها و کانال‌های تلویزیون و فیلم‌ها و رقص و پایکوبی زنان در مجامع عمومی و تفریحی، آزادی زنان است یا به اسارت‌درآوردن آن‌ها به دست یک عده مردان شهوت‌ران و هوس‌باز؟ بار سنگین این مسئولیت به دوش آگاهان و نخبگان فرهنگی جامعه است که زنان سرزمین افغانستان را از این دام خطرناک با خبر سازند.

۵-۶. معرفی کرامت واقعی زن

متأسفانه در جامعه افغانستان، زن آن‌چنانچه که هست، معرفی نشده است؛ لذا است که کرامت واقعی آنان مغفول مانده است. وظیفه شخصیت‌های فرهنگی و اسلامی است که جایگاه و کرامت واقعی زن را برای مردم معرفی کنند، تا بدین‌وسیله، هویت واقعی زن شناسایی شده و ذهنیت منفی نسبت به آن از بین برود.

دین مقدس اسلام برای زنان همانند مردان ارزش قابل است و برتری هرکدام را فقط در تقوی می‌داند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۱۳)؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شما است. همان‌گونه که مردان می‌توانند به‌عنوان خلیفه خداوند در زمین باشند و به قرب الی الله برسند، زنان نیز می‌توانند این منزل را طی کنند. زنان نیز مانند مردان در رشد و شکوفایی جامعه نقش مؤثری دارند. قرآن مقدس می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۷۱)؛ و

مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمت‌شان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

این آیه در واقع، جایگاه واقعی و رسالت زنان و مردان را در ساختن جامعه سالم تبیین می‌کند و بیانگر کرامت زن مسلمان نیز می‌باشد. در کل، تبیین مقام واقعی زن از دیدگاه اسلام، می‌تواند زنان جامعه ما را از این انزوا خارج سازد.

۷-۵. حضور زنان در صحنه‌های سیاسی، فرهنگی و علمی

یکی دیگر از راه‌کارها برای از بین بردن چالش‌های کرامت زنان جامعه افغانستان، حضور پررنگ آنان در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی است. زنان در طول تاریخ، همانند مردان، در تحولات اجتماعی نقش مؤثری داشته و در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی و حتی در صحنه‌های نظامی حضور فعال داشته‌اند. زنانی چون خدیجه و سمیه^(س) در صدر اسلام در پذیرش اسلام از بسیاری مردان سبقت گرفتند. خدیجه از نثار مال خود در راه ترویج اسلام دریغ نکرد؛ چنان‌که سمیه نیز نه تنها بر اثر بلوغ فکری و فرهنگی، حقانیت دین را تشخیص داد و مسلمان شد؛ بلکه با شکیبایی کم‌نظیر، شکنجه‌های توان‌فرسا را تحمل کرد؛ به گونه‌ای که رسول خدا با مشاهده این شکنجه‌ها فرمود: «صبراً یا آل یاسر انّ موعدکم الجنة»؛ ای آل یاسر صبر و بردباری را حفظ کنید که وعده شما بهشت است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۳۹).

زنان در صحنه‌های نظامی نیز حضور داشتند. قرآن داستان ملکه سبأ را که یک زن است، بیان می‌کند و از این زن تمجید کرده که دعوت حضرت سلیمان را پذیرفته است. بلقیس با توجه به این‌که قدرت نظامی به حد کافی دارد؛ ولی درایت و هوشیاری او باعث می‌شود که حق را بپذیرد. این داستان در واقع، کرامت واقعی یک زن را بیان می‌کند، نه ناقص‌العقل بودن او را.^۱

۱. برای اطلاع بیشتر به آیات ۲۳، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶ و ۴۴ سورة نحل مراجعه کنید.

در صدر اسلام نیز، زنان در مسائل سیاسی دخالت کردند و در صحنه‌ها حضور روشن داشتند. پیامبر (ص) طبق دستور قرآن کریم، با زنان مستقلاً بیعت می‌کند و بر سر اصول و معیارهایی، پیمان می‌بندد و بدین‌گونه این بدنه‌ای از جامعه اسلامی را با مسؤولیت‌های سیاسی و اجتماعی خویش آشنا می‌سازد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه/۱۲)؛ ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که با این شرط با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه‌های حرام‌زاده‌ای را که پس انداخته‌اند با بُهتان و خيله به شوهر نبندند، و در کار نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.

۵-۸. زدودن روحیه مردسالاری

در جامعه افغانستان، سنت مردسالاری در تاریخ زندگی این مردم ریشه‌های عمیق دارد. زنان در این جامعه قوانین مردسالاری را به‌خاطر مغفول ماندن کرامت زن و سنت‌های بی‌اساس دینی و قبیله‌ای، عملاً پذیرفته‌اند؛ گویا خداوند طبیعت زن را در استخدام مرد قرار داده است و هر آنچه مرد اراده کند، همان است.

تا زمانی که روحیه امتیازطلبی جنسی و منافع شخصی مردان در فضای افغانستان حاکم باشد، زنان جامعه ما کرامت واقعی خود را به‌دست نخواهند آورد و هم‌چنان در حصار خواست‌های مردسالاری خواهند ماند؛ بنابراین، وظیفه فرد فرد جامعه افغانستان است که با شناخت عمیق از دستورات و سفارشات اسلام راجع به زن، معاشرت و رفتار خود را چنان تنظیم کنند که شایسته یک جامعه مسلمان بوده و کرامت مفقود و مغفول‌مانده زنان جامعه ما به معرض ظهور برسد.

۵-۹. اهتمام قوه قضائیه نسبت به حقوق زنان

وظیفه قوه قضائیه در واقع تشخیص نوع جرم و تعیین کیفر برای مجرمین و کسانی که خلاف قانون رفتار می نمایند، می باشد. مجرم - اعم از این که مرد باشد و یا زن - قوه قضائیه موظف به رسیدگی آن می باشد. در جامعه افغانستان متأسفانه کم تر به ظلم هایی که به زن می شود، رسیدگی می شود؛ گویا کتک زدن و تضییع حقوق آن ها از ناحیه مردان، یک نوع دعوای خانوادگی محسوب شده و توجهی کم تر به آن می شود. یکی از راه های بیرون رفت زنان جامعه افغانستان از وضعیت فعلی، اهتمام و حمایت قوه قضائیه از حقوق آنان می باشد. این امر در کنار امور مثبت دیگر، یقیناً منجر به احیا و حفظ کرامت زنان این سرزمین خواهد شد.

نتیجه گیری

محور اصلی این پژوهش، بررسی وضعیت موجود زنان افغانستان، تحت عنوان «فقدان کرامت زنان در افغانستان»، است و نتایجی را که از این تحقیق می توان گرفت، به قرار ذیل است:

۱. خداوند به همه بشر - اعم از مرد و زن - کرامت بخشیده است و در این امر، هیچ مزیتی بین مرد و زن وجود ندارد؛ مگر به تقوی الهی.
۲. با نادیده گرفتن قوانین و دستورات الهی از ناحیه انسان، در طول تاریخ و در تمدن های مختلف، نسبت به حقوق زنان رفتار تبعیض آمیز صورت گرفته و از سوی مردان مورد انواع ظلم و بی عدالتی قرار گرفته است.
۳. مردم افغانستان از این امر مستثنا نیستند. با توجه به این که ۹۹٪ مردم این سرزمین مسلمان می باشند؛ ولی متأسفانه در طول تاریخ این کشور، چالش های زیادی برای احقاق حقوق زن وجود داشته و کرامت واقعی زن در این جامعه مغفول واقع شده است!
۴. باورهای انحرافی دینی، سنت های بی اساس و نظام قبیله ای، باعث تضییع بسیاری از حقوق زنان؛ از قبیل آزادی های فردی و اجتماعی زنان جامعه افغانستان گردیده است و

- این قشر عظیمی از جامعه را از حضور در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی باز داشته است.
۵. احیای کرامت و حفظ حقوق زنان افغانستان، در گرو سواد و شناخت عمیق وظایف و حقوق خود از دیدگاه اسلام است. محصور بودن زنان و روحیه مردسالاری، نشأت گرفته از جهالت مردم از دستورات اسلام نسبت به زنان است.
۶. با توجه به حضور نیروهای بیگانه در افغانستان و ترویج فرهنگ آنان از ماهواره و کانال‌های تلویزیون و...، هوشیاری زنان نجیب کشور ما را می‌طلبد تا از دام به ظاهر آزادی و دموکراسی محفوظ مانده و کرامت انسانی و الهی آن‌ها به خطر نیفتد.
۷. احیا و حفظ کرامت زنان افغانستان، وظیفه و رسالت علماء دینی و نخبگان سیاسی و فرهنگی است که در صورت کوتاهی آنان در این امر مهم، مسؤول خواهند بود.
۸. علاوه بر تلاش علماء و نخبگان، اراده و همت خود زنان در شناخت هویت واقعی و کرامت انسانی و الهی خود؛ حضور در صحنه‌های اجتماعی و ایفای نقش در ساختن جامعه سالم؛ تعلیم فرزندان صالح و ایجاد فضای گرم و مطمئن در کانون خانواده‌ها، نیز تأثیرگذار است.
۹. وظیفه مردم افغانستان ایجاب می‌کند که هر سال در قالب نشست‌ها، همایش‌ها، جشن‌ها و... از خدمات ارزشمند مادران و زنان قدردانی نموده و کرامت آنان را پاس دارند.
۱۰. اهتمام قوه قضائیه نسبت به احقاق حقوق زنان در شعبه‌های قضایی بسیار مؤثر بوده و از خشونت مردان علیه زنان خواهد کاست.

منابع

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
۴. احسائی، ابن جمهور (۱۴۰۵)، عوالیء اللآلی، قم، انتشارات سیدالشهداء.

۵. ابن طیفور، احمد (بی تا)، بلاغات النساء، قم، انتشارات رضی.
۶. ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۷۹)، المناقب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۷. اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری / مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی، اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره.
۸. آلبر ماله وژول ایزاک (۱۳۳۲)، تاریخ روم، ترجمه غلام حسین زیرک زاده، چاپ دوم، نشر کتاب فروشی سینا.
۹. آرتور کریستین (۱۳۷۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ نهم، انتشارات دنیای کتاب.
۱۰. بحرانی، حسن (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، زن در آینه جلال و جمال، تحقیق و تنظیم: محمود لطفی، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۳. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. عمید، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات مؤسسه امیر کبیر.
۱۵. حر عاملی (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۶. حسینی، صارم (۱۳۸۸)، قانون مدنی و قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، تهیه و تنظیم: حسینی، قم، انتشارات قدس.
۱۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی.
۱۸. دیلمی، حسن (۱۴۰۸)، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۹. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، نامه ۳۱، قم، انتشارات نسیم حیات.
۲۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹)، الخرائج، قم، مؤسسه امام هادی (ع).
۲۱. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵)، فقه القرآن، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲۲. شعیری، محمد تاج الدین (۱۳۶۳)، جامع الأخبار، قم، انتشارات شریف رضی.
۲۳. شیخ طوسی (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. شیخ صدوق، محمد (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۵. شیخ صدوق، محمد (۱۳۶۲)، الامالی (بی م)، انتشارات کتابخانه اسلامی.
۲۶. شیخ صدوق، محمد (۱۳۶۴)، ثواب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی.
۲۷. شیخ صدوق، محمد (۱۳۷۸)، عیون الرضا (ع)، (بی م) انتشارات جهان.
۲۸. سایت: http://www.watan-afg.com/new_page_10.htm.
۲۹. طبرسی، علی ابن حسن (۱۳۸۵)، مشکاه الأنوار، نجف، کتابخانه حیدریه.

۳۰. طبرسی، رضی‌الدین حسن ابن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی.
۳۱. علی ابن موسی الرضا^(ع) (۱۴۰۶)، صحیفه الرضا، (بی‌م)، کنگره جهانی امام رضا^(ع).
۳۲. کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰ هـ ق)، کنز الفوائد، قم، انتشارات الذخائر.
۳۳. کریستیا بارتله (۱۳۳۷)، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصرالدین الزمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات عطایی.
۳۴. کلینی، محمد (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. منتسکیو (۱۳۳۹)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر، تهران، انتشارات اقبال.
۳۶. میر محمد صدیق فرهنگ (۱۳۸۰)، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، دارالتفسیر.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۵)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۸. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ هـ ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت.
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ هـ ق)، بحار الأنوار، بیروت - لبنان.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا.
۴۱. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات سپهر.
۴۲. نقش زنان مسلمان در جنگ (۱۳۶۷)، تألیف گروه تاریخ اسلام مرکز برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ طلوع آزادی (بی‌م).
۴۳. نیشابوری، محمد بن حسن [بی تا] روضه الواعظین، قم (بی‌م).
۴۴. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه مهرداد مهرین، تهران، انتشارات اقبال.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴